

داد از دست خواص

داد از دست خواص
داد از دست خواص
بخدا بدانه اند
داد از دست خواص
ایمن از هبی و جزا
داد از دست خواص
اندر افتد بخطر
داد از دست خواص
قلم خاصان تیز
داد از دست خواص
عادیان او استخیر
داد از دست خواص
سازدش آلت دست^{۱۱}
داد از دست خواص
صف پر باید
داد از دست خواص
یک تن آقای همه
داد از دست خواص
عمرو راجبهه زیبد
داد از دست خواص
ورول خالد و سکر
داد از دست خواص
کین فتوان بشر
داد از دست خواص

رخواص است هر آن بد که درود بر اقحاص
بیسد آنکه که زیدا خواص است خلاص
اد دان از عوام است که کالانها هند
که خراپی همه از دست خواص است خواص
چند خاصان بهوای دل خود هرزه دوا
رد عوامی سقطی گفت در افقده صاص
عاهی از بی خبری خیر لداسته ز شر
فالماض در بی تحصیل ملازمت و مناس
هر محترمی عاهی فقیر لاجیز
همجو بر خیل عجم نیزه سعد و قاس
عالیم رند تماید بهزاد افتاب تدبیر
عاهی ساده بکوشد بهزاران اخلاص
علیمی عالمکی دا کنداز و سوسه هست
بن بجهان کندن و آن بک به غنیم رقصان
از بی مخزن خاصان سکم در باید
جه غم از در شکم بصر بمیرد غواص
عاهیان دا همه سورانده بمانند رمه
خلق درز حمت او در طلب زر خلاص
در رسف ساده دلان شورو هر افکنده ز کید
خود زصف خارج و در قوه هچون زاهد خاص
دسته ها بسته و سد تفرقه افکنده به مک
تاکه خود در حرم قدس شود خاص
طالب عاقفیت نوع هیاشر - سر
بشر بست را بستند ره استغلام

اتو میڈیا فی نڈھ

پیکی از کارخانهای مهمن هواپیما و انوموبیل سازی امریکا بنام کسی نوع جدیدی از انوموبیل های بر لده رابطه روابط تمهیقاتی هم گذاشته است که در دودیف خوداگر بزرگترین و شنیدگرین مدل انوموبیل می باشد و قدر این انوموبیل بروی هم مرار کلکو گرم میباشد و سرعت آن در زمان به ۱۴۵ کیلو متر در ساعت میرسد این انوموبیل در هیچ حالی می تواند چون هوا ییما بروی آسمان نیز پرواز کند بهر حال مرحله آزمایشی این انوموبیل پر نهاده درحال گذشت است و بروی درس اسر چنان احوال آنرا خواهیم دید

تاریخ مومیائی

مل جهان هر یکه بطوری بامرد گان
را جساد خود و فنار می کنند
بعضی از آنان چون هنده هارمه ده
را مهوس زانند و بعد خاک سفر آرا نیز
بادمیدهند بعضی چون مسلمانان بس
از شنوه و غسل و اعمال دینی بطوری
که دیانت و ستور داده و فنار می کنند
والی مصر بیها از قدمیم بمویانی کردند
اجداد مرد گان خود اشغال داده
و هلوز نتوانسته اند بطور دقیق شنجه بخیں
وهندهند که هلل مویانی کردن چه بوده
است. باری ان مسئله از مدتیها بیش
که بیشتر از چند هزار سال پیش ممکن
بوده است.

گل گند

کل کنید بکس این بنای تاریخی و
نمیر نظر دهد از سه که در هر یکی از این
واره و آرامگاه مددع افغان شاه
جهان امیر اطهور علوی میباشد
مقدار زیرین ۷ زیربنای آن باشند از این
از ۱۸۱۱-۱۸۱۰ باقی مروج مردم کنید ۵
بالا و از این دهیں دهیں و معمول ساخته دهد
که انسان صورت میکند که کامیابی را با
کامیابی از این بنای تاریخی کنید چنانکه از

که این قفس له سزای چومن خوش العالی است
روم اروپه رضوان که مرغ آن چشم

وفات مرد خدا

این دنباله این دلایلی برآخته و مکرر و فربیض ورنله و پیچایه ای مردان خدا بسته بهرسو که بنگرید دود و غبار و ماده ای هنان فرا گرفته که بر روی هدی احساسات لطیف بزرگ اخلاقیات و معنویات زندگی بشر دوستی و نوع بروری ایمان و هواطف و رقیق خلق پرده ای شخصیم و عالمی تیره و پلید آنرا خواسته است

در اجتماع مـا در این اجتماع سراسر فساد و تباہی تابله فرد خود را پنهان نماید تا بمرحله ای بررسی که برآورده فرمانروایی و حکومت گفت وقت سپاه و وحدت و مرارت و منتقد گزید لازم است

این روزها و بریندر بوهر مردم سخن از مرد خدای می گویند که از جهان ما وقت ایشان مرد خدا روز و دوشنبه ۲۳ مهر ماه ۱۳۷۲ با برای با ۲۱ مرداد ۱۳۷۱ اغفاری را وداع گفت

از انصاف نباید گذشت که مردم بپوشش از پری و جوان زن و مرد در
خرابی این مرد پرورک منهی شکر کت گردند جناره آئندۀ الله بروی دستهای
مردم از بپوشش تا هشکری بردا شد و هودوت هاده شد
بس از آنکه بتای بوصیه آن سرچو جمده و راتا ساعت در خانه هشکری
بر روی پستر کفداره بودند بمنظور تکفون به هشکری محل کورستان عموی
 منتقل گردید و بوس از ایام مراسم منهی دو پوشش در زندگانی خانه هشکری
آن قلید سعید بامات سیره شد تا در موقع مقضی پسکر بلا حد گردد و در
چوار مرقد مطهر حضرت میداشتهاد بفات سیره شود

هزار مرقد مطهر حضرت پیغمبر اکرم (ص) بیان می‌نماید که در تشییع جنازه این جمیعت چندین هزار انفراد از مردم بوشهر و حومه که در تشییع جنازه این روحانی بروز و این پیشوای دینی از جمند هر کث کردند بهر صاحب‌الی نایبه و مدلل ساختند که حکومت بردل ها خلق دروغ خلق دروغ خلق بازور و ذر نمی شود.

آرزوی که چنانزه آن بروگوار همچون دسته گلی بررسه های مردم بلند برد این اندیشه را در دلها راه می داد که آنده‌له بلاذرده ایرده و نمی میرد اور درهای مردم جا دارد و پرچرخیده هالم دوام و بقاء اورتید گردیده است. من هرچه بخود ذاتت بدین و از قلم خود کمک بگیرم انداختم توانست احساسات اهالی بوشهر در آنروز - در آن روز تشییع جنازه مرد خدا برگشته تحریر بکشم همین‌قدر می توانم که همراهی هشت‌تسع بربر، دویا کناند دویار بر آن مرد روشنل و مدنی آن مرد پریهر کار و زاده‌آن مرد دیابمان و خدا پرست سرتقطیم فروع بیاوه و از روح برتفوح بپات او کمک بخواهیم تا ماوا برآه و است هدایت کند و مانند آن بروگوار گفتار راست پندارهایات که داشتم را نمی‌خواستم.

من ان محصول بر نج دنيا

قبایلی که حرف نمی‌زنند!

در جنگل‌های «بولیوی» واقع در غرب امریکای جنوبی هنوز قابایلی وجود دارند که قادر به رف زدن نیستند و بینی از آنان که شهرهای دیگر مرآهمت نکردند و معاشرانشان مطلع شده است که مستگاه سما و ملابهای سوتی آنها نالق بوده و از آنکه کلمات و عبارت های مطبوع است

